

طهران

در دروازه حضرت عبدالعظیم اماء الرحمن علیهن بهاء الله الابهی

هو الله

ای کنیزان عزیزان حق الحمد لله در راه هدی جام لبریزی نوشیدید نوش جان باد این ساغر شهد و شکر است و این نفحه مشک و عنبر ولی کام هر بی تمیزی از آن شیرین نگردد بلکه مذاق کنیزان عزیزان الهی شکرین شود زیرا هر نفسی مرد این میدان نباشد و در این عرصه جولان نتواند ایام در گذر است و حیات بشر بی فائده و ثمر مگر در راه آندلبر سر بدهد و در هر دمی مورد جفای هر ستمگر گردد و در ثبوت بر پیمان محکمتر شود ای اماء رحمن اهل ملاء اعلی تحسین نمایند و اهل ملکوت ابهی لسانرا بذکر شما تزیین دهند دم بدم بشکرانه جمال قدم پردازید که چنین موهبتی مبدول داشت که در سبیل محبتش مورد ملامت و شماتت شدید و معرض جفای اهل ضلالت این موهبت عظماست و رحمت کبری و عنایت جمال ابهی عنقریب شماتت بشکرائیت تبدیل گردد و ملامت بستایش و محمدمت مبدل شود و اماء رحمن هر یک مانند شمع در انجمن نساء بدرخشند و بمثابه ستاره در افق عزت ابدیه روشن گردد و علیکن التّحیة و التّناء ع ع

این سند از [کتابخانه مراجعیه](http://www.bahai.org/fa/legal) داندلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۹ ژوئیه ۲۰۲۶، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر